

طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه

حسن رنگریز*

چکیده

هدف این پژوهش طراحی الگوی دولت علوی^(ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه است. روش انجام این پژوهش، کیفی و با رویکرد استقرایی است. به منظور استخراج مطالب از فن تحلیل مضمون استفاده شد. منبع مورد بررسی در این پژوهش خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی^(ع) مرتبط با دولت‌مداری و سیاست‌مداری در نهج البلاغه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد الگوی دولت علوی^(ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه نیازمند الزامات سه گانه است. در سطح الزامات فردی نحوه نگرش حاکمیت به مردم و اعتمادسازی، اجرای عدالت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی، و رضایت عمومی بسترسازی لازم را برای ایجاد دولت علوی مهیا می‌کند. در سطح الزامات گروهی و سازمانی، دولت علوی شکل می‌گیرد، و به مدیریت جامعه می‌پردازد، چرا که در این سطح انسجام، وحدت و یگانگی، و پرهیز از تفرقه حائز اهمیت است. در سطح الزامات اجتماعی، ظرفیت‌سازی و توسعه دولت علوی شکل می‌گیرد، و مشارکت در دفاع از کشور، مشارکت در امر به معروف و نهی از منکر، و تقویت مشارکت عمومی در نظارت همگانی مهیا می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، دولت‌های اسلامی باید رهیافت رفتاری، ساختاری و محتوایی دولت‌مداری و سیاست‌مداری را در قالب دولت-شهر نبوی^(ص) و علوی^(ع) با تاکید بر مفهوم امت واحده جستجو نمایند.

کلیدواژه‌ها: دولت شهر نبوی^(ص) و علوی^(ع)، دولت‌مداری، سیاست‌مداری، الگو، نهج البلاغه، فن تحلیل مضمون.

* دانشیار گروه مدیریت منابع انسانی و کسب و کار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، rangriz@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

۱. مقدمه

دولت چارچوبی از ارزش‌هاست که در درون آن زندگی عمومی جریان پیدا می‌کند و خود، قدرت عمومی را در جهت تحقق آن ارزش‌ها بکار می‌برد (بشیریه، ۱۳۷۱: ۳۲۲). بحث دولت اسلامی از پیچیده‌ترین مفاهیم سیاسی است، زیرا دولت اسلامی از آن رو که آکنده از ارزش‌های دینی است، به ناچار ساختار و هندسه‌ای ویژه دارد و تلاقی دین و سیاست مسبب این پیچیدگی است (فیرحی، ۱۳۸۶: ۲۱). گذشته از اینها، اطلاق صفت «اسلامی» بر دولت، در عالم سیاست محل بحث و مجادله است. گاهی مراد از دولت اسلامی، دولت‌های آرمانی اسلامی است که همه ضوابط و هنجارهای اسلام را در کانون توجه و عمل خویش قرار داده است. اصطلاح «دولت اسلامی» برای اشاره به دولتی بکار می‌رود که میان وضعیت مطلوب و آرمانی آن از یک سو، و واقعیت خارجی آن از سوی دیگر، شکاف و اختلالی نباشد (برزگر، ۱۳۸۳: ۱۲). دولت نبوی^(ص) و دولت علوی^(ع) مصداق روشن و کامل چنین تعبیری است. گاهی نیز مقصود از دولت اسلامی، «دولت در جهان اسلام» است. دولتی که به مثابه امر واقع در جهان اسلام ظاهر شده است؛ خواه این دولت صالح باشد، یا فاسد. مطابق با این دیدگاه، صرف اینکه دولتی در جهان اسلام پدید آمده و استمرار داشته است، «دولت اسلامی» خوانده می‌شود (برزگر، ۱۳۸۳: ۱۳). معنای عرفی «دولت‌های اسلامی» یا «کشورهای اسلامی» نیز بر همین تعبیر اخیر استوار است؛ یعنی دولت یا کشوری که در قلمرو اسلامی و یا در منطقه دارالاسلام واقع شده است و اکثریت ساکنان آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، «اسلامی» خوانده می‌شود.

اگر بخواهیم تبیینی از «دولت اسلامی» را بکار ببندیم، بایستی گفت؛ اولاً دولت اسلامی نتیجه طرحی و حیانی است که در اندیشه و عمل نبی مکرم اسلام^(ص) و حضرت علی^(ع) هویدا می‌شود و برای درک ماهیت آن باید به منابع، متون و نصوص معتبر دینی مراجعه کرد و این در مقابل نظریه «دولت تاریخی» است که دولت در جوامع دینی را تحلیل و ارزیابی می‌کند. در این دیدگاه، «دولت دینی» چونان طرحی آرمانی است که به رغم تلاش‌های بسیار زیاد بنیانگذار آن؛ خاتم النبیین^(ص) هرگز به درستی در تاریخ جاری نشد و در عینیت زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان قرار نگرفت؛ پس این را الگوی «ثئوری دولت» می‌دانیم، اما خلافت تاریخی مسلمانان، تحت تاثیر شرایط قبیله‌ای و سنت‌های سیاسی عرب پیش از اسلام دچار نوعی انحراف شد (فیرحی، ۱۳۸۶: ۴۱). ثانیاً

طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه ۲۵

دولت‌های نبوی^(ص) و علوی^(ع) را کامل‌ترین الگوی «دولت اسلامی» می‌دانیم که باید تحولات و تاریخ هر یک از دولت‌های اسلامی دیگر را بر اساس همین الگو ارزیابی و تحلیل کرد.

جنبه مبهم این پژوهش در این است که از یک سو، بیشتر مطالعات صورت گرفته در خصوص دولت‌مداری و سیاست‌مداری در پی کشف و شناسایی معیارها و شاخص‌های شکل‌گیری دولت‌ها منطبق با فرهنگ نبوی^(ص) و علوی^(ع) نبوده است و گویی جامعه اسلامی را با معیارهای جامعه غربی سنجیده است. از سوی دیگر، فقر یافته‌های دانشگاهی و حوزوی درباره شناسایی معیارها و شاخص‌های شکل دهنده دولت علوی^(ع) با استفاده از متون و نصوص اسلامی و جایگاه تئوری دولت‌مداری و سیاست‌مداری در اندیشه دینی و نیز نقش آموزه‌های نهج‌البلاغه در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها، ضرورت مطالعه چنین پژوهشی را در حوزه علوم انسانی به طور عام و حوزه سازمان و مدیریت به طور خاص بیش از پیش نمایان می‌کند. پس می‌توان گفت؛ مساله اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به اینکه اکثر دولت‌ها از الگوی الهام‌بخش، فعال و موثر آموزه‌های دینی تبعیت نمی‌کنند، طراحی الگوی دولت علوی^(ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه یک امر ضروری و الزامی است، چرا که وضعیت کشورهای اسلامی در این زمینه در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. برای خروج از این ابهام پژوهش حاضر به دنبال کامل کردن خلاء علمی و عملی در حوزه دولت‌مداری و سیاست‌مداری است.

به منظور حفظ و تقویت پایه‌های دولت در جهان اسلام و جلوگیری از شکل‌گیری دولت‌های غیرصالح و فاسد لازم است که به شناخت صحیح و درستی از فرایند شکل‌گیری الگوی دولت علوی^(ع) برسیم. لذا یک اقدام اساسی برای تقویت آثار دولت‌مداری و سیاست‌مداری مطلوب و دور شدن از چالش‌های ناشی از نبود آن، پژوهشگر به دنبال یافتن الگو و چارچوبی از دولت علوی^(ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است. لذا هدف این پژوهش، ارائه الگویی از دولت علوی^(ع) است و سوال پژوهش اینگونه مطرح می‌شود: مولفه‌های دولت علوی^(ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه کدامند؟ برای پاسخ به این سوال، پژوهش اکتشافی حاضر از نوع کیفی با رویکرد استقرایی از جزء به کل (تبدیل اطلاعات متنی گسترده به مطالب خلاصه و استخراج اصلی‌ترین مضامین موجود، ایجاد ارتباط دقیق و روشن میان سوال پژوهش و یافته‌های بدست آمده، و بالاخره ایجاد

یک الگو پیرامون ساختار متن مورد مطالعه و کشف فرایندهای مستتر در متن) کمک شایان توجهی را خواهد داشت.

۲. چارچوب نظری

یکی از پارادایم‌های مطرح در نظریه‌های سازمان و مدیریت، پارادایم ساختارگرایی بنیادی است (هاسارد و پیم Hassard & Pym، ۲۰۱۲: ۱۸). در این پارادایم باور بر این است که دولت‌های مدرن در حال حاضر، می‌توانند زمینه را برای تامین زیرساخت اقتصادی، تامین حداقل کالاها و خدمات عمومی متنوع برای افراد جامعه، حل و فصل تعارضات گروهی، حفظ رقابت، و تثبیت اقتصاد فراهم نمایند. به عبارت دیگر، آنها می‌توانند سه وظیفه اساسی توزیع عادلانه ثروت و رفاه، تخصیص منابع و امکانات، و تثبیت اقتصادی را به انجام برسانند (الوانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۲۷-۱۲۴). مطالعات نشان می‌دهد در پارادایم ساختارگرایی بنیادی می‌توان دو رهیافت نظری در خصوص مطالعه دولت‌ها در سطح کلان، و سازمان‌ها در سطح خرد را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱. رهیافت وبرگرایی در نظریه سازمانی بنیادی

ویژگی عمومی این رهیافت را در مفهوم گروه‌گرایی باید جستجو کرد که به پیدایش شبکه به هم پیوسته‌ای از نهادهای دیوان‌سالار اطلاق می‌شود که در «جامعه مدرن» به صورت ضمام دولت و فرمانبردار آن موجودیت دارند. جامعه مدرن نیاز به «دولت مدرن» دارد. ماکس وبر Max Weber (۱۹۴۷) در تعریف دولت می‌گوید: «یک نهاد سیاسی اجباری و دارای سازمانی مستمر و پیوسته تا آنجا که خود و مقامات اداری آن از حق انحصاری استفاده از زور در اجرای دستورهای آن برخوردارند». بنابراین، پذیرش دولت ممکن است بر عواملی غیر از مشروعیت و در نهایت بر عدم تمایل فرد برای پذیرش پیامدهای عدم اطاعت از قانون و رویارویی با سیاست‌هایی که توسط دولت رسماً اعلام و اجرا می‌گردد استوار باشد. این پیامدها ممکن است ترس از زندانی شدن، حتی شکنجه یا مرگ و کمتر از آن نیز از دست دادن کار، کاهش استانداردهای زندگی، شکلی از تبعیض یا برچسب اجتماعی باشد، اما پذیرش ممکن است از بی‌تفاوتی، بی‌علاقگی محض یا از بدبینی، احساس اینکه مقاومت بی‌فایده است یا ارزش تلاش و کوششی را که باید بعمل آید، نشأت گیرد. از سوی دیگر، مزایای مادی مشهود دولت برای فرد نیز ممکن است اساس پذیرش آن را تشکیل دهد. بنابراین، پذیرش دولت ممکن است کمتر مربوط به مشروعیت و بیشتر مربوط به تن دادن از روی اکراه یا به دلیل مزایای مادی باشد. اما نکته‌ای را نباید

طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه ۲۷

فراموش کرد و آن مشروعیت است که تنها مولفه تبیین ادامه موجودیت دولت بشمار می‌آید (صبوری، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۰). در این رهیافت، رویکرد حاکم بر دولت‌های مدرن رویکرد تک‌ره‌آوردی مادی بدون در نظر گرفتن ابعاد روحی و روانی در برخی از امور با تاکید بر شکل‌دهی سناریوهای آتی متعدد و گسسته برای فهم جهت‌های احتمالی آتی است (رنگریز، ۱۳۹۶: ۳۷۳).

دولت‌های مدرن با مرزهای جغرافیایی تعریف شده در درون یک دستگاه سیاسی و اداری رسماً شناخته شده انحصاراً عمل می‌کند و در نهایت می‌تواند اقتدار خود را از طریق کاربرد زور تحمیل کند. در این ارتباط دو سوال مطرح است: (۱) دولت‌ها چگونه بوجود آمدند؟، (۲) چگونه دولت‌های مدرن ظهور کردند؟. برای پاسخ به سوالات فوق، مفهوم سیاست باید واریسی شود. «رادکلیف براون (Radcliffe- Brown) استدلال کرد که سیاست با «حفظ یا ایجاد نظم اجتماعی» و «کنترل و تنظیم کاربرد زور» سروکار دارد که دولت از آن برخوردار است. در این ارتباط «لوسی میر (Lucy Mair) دو مفهوم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است: (۱) مفهوم سیاست حداقل (Minimal Politics)، (۲) مفهوم حکومت حداقل (Minimal Government). سیاست حداقل یعنی وجود یک وسیله به رسمیت شناخته شده حل اختلافات و نه چیزی بیشتر. حکومت حداقل یعنی حکومتی که در آن موقعیت‌های رهبری ظهور می‌کنند (رنگریز، ۱۳۹۶: ۳۷۱-۳۷۰).

۲. رهیافت ساختارگرایی مارکسیستی در نظریه سازمانی بنیادی

ویژگی عمومی این رهیافت را در مفهوم مارکسیستی دولت باید جستجو کرد و از این نظر متمایز است که دولت را محصول مبارزه تاریخی بین طبقات و روساختار نهادی تعریف کرده که بر شالوده اقتصادی استوار است. بنابراین، دولت تنها می‌تواند به سود طبقه مسلط عمل کند. به دنبال انقلاب پرولتری و ظهور جامعه بی‌طبقه که در آن مبارزه طبقاتی از میان می‌رود، دولت به تدریج محو خواهد گردید. نومارکسیست‌ها مانند گرامشی و آلتوسر دوام دولت در جوامع سرمایه‌داری را از طریق توانایی آن در بوجود آوردن رضایت از جانب اعضای جامعه و تهدید اولیه توسط به زور تبیین کرده‌اند. گرامشی Gramsci استدلال کرد که بورژوازی با دادن امتیاز به طبقه کارگر و با پذیرش سازش‌هایی که به طور بنیادی موقعیتش را و بنابراین موقعیت دولت را تضعیف نمی‌کنند به حفظ سلطه خود کمک می‌کند. آلتوسر Althusser بر اهمیت ایدئولوژی و توانایی دولت بورژوایی برای تامین پذیرش ارزش‌هایش از طریق آنچه او «دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت» Ideological State.

Apparatuses می‌نامد- یعنی نظام آموزش و پرورش، کلیسا و اتحادیه‌های کارگری- و در عین حال از دستگاه‌های سرکوب‌گر دولت از قبیل نیروهای مسلح و پلیس متمایز است، تاکید می‌کند.

«رالف میلی‌بند» (Ralph Miliband) (۱۹۶۹) تمایزی میان حکومت و دولت برقرار می‌سازد و استدلال می‌کند که حکومت نمایان‌ترین بخش دولت است، اما لزوماً مهمترین بخش آن نیست. از دیدگاه وی، حکومت در دل دولت هویدا می‌شود، هرچند به عنوان مهمترین بخش آن مطرح نباشد. دولت شامل بوروکراسی، پلیس، دستگاه قضایی، سازمان‌های منطقه‌ای و محلی، نهادهای مختلف اقتصادی، و نهادهای نمایندگی ملی، محلی و منطقه‌ای است؛ این دیدگاهی است که بسیاری از غیر مارکسیست‌ها با آن موافق هستند. میلی‌بند همچنین می‌گوید که دولت دارای میزان قابل ملاحظه‌ای از استقلال است که به آن کمک می‌کند به سود طبقه مسلط یاری نمایند. با وجود این، در نهایت دوام دولت نه بر توانایی‌های سرکوبگرانه آن و نه بر اساس فراگیر بودن نهادی آن؛ بلکه بر این واقعیت استوار است که طبقه مسلط از کسانی با ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی همانند تشکیل گردیده است. با این حال، قدرت دولت مساله‌ای را برای مارکسیست‌ها مطرح می‌کند. لنین آشکارا بیان می‌کرد که پس از انقلاب پرولتری، دولت بی‌رنگ محو می‌گردد و دیکتاتوری پرولتاریا جانشین آن می‌شود. در عمل پس از انقلاب اکتبر، دیکتاتوری پرولتاریا اگر هم وجود داشت به سرعت جای خود را به دیکتاتوری حزبی داد. پس از پیروزی در جنگ داخلی، اتحاد جماهیر شوروی مسلماً تمام ویژگی‌های یک دولت را بر حسب تعریف غیرمارکسیستی دارا بود، یعنی یک قلمرو صریحاً تعریف شده، انحصار استفاده مشروع از زور و یک دستگاه اداری برای اجرای سیاست‌های دولت. در واقع، در سال ۱۹۲۱ لنین خود اتحاد جماهیر شوروی را یک دولت کارگری با تحریفات بوروکراتیک توصیف کرد (مک‌لنن Mclellan، ۱۹۷۹: ۱۰۱). استالین از این فراتر رفت و استدلال کرد که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی «گونه جدیدی از دولت» (باتومور و دیگران Batamur، ۱۹۸۳: ۴۶۸) و نماینده تمام مردم است و اگرچه خروشچف، یکی از رهبران بعدی شوروی، محو شدن تدریجی دولت را پیش‌بینی کرد (راش Rush، ۱۳۹۰: ۴۴).

با توجه به بررسی فوق می‌توان گفت؛ پارادایم ساختارگرایی بنیادی در قالب دو رهیافت وبرگرایی و مارکسیستی بدنبال آن است که سه وظیفه اساسی توزیع عادلانه ثروت و رفاه، تخصیص منابع و امکانات، و تثبیت اقتصادی را به انجام برساند. مطالعات نشان از آن دارد

که این رهیافت‌ها موفق نبودند، چرا که از یک سو؛ بی‌عدالتی‌ها، هرز منابع، و بی‌ثباتی اقتصادی در سطح جهان به اوج خود رسیده است و از سوی دیگر؛ مسیر دولت‌مداری و سیاست‌مداری در رهیافت وبرگرایی مبتنی بر حداکثرسازی لذت و سود فردی به جای سود اجتماعی است.

پژوهشگر در این مقاله به دنبال آنست که مطرح کند نگرستن به وظایف فوق و کارایی دولت‌ها در قالب اندیشه دینی هویدا می‌شود. اندیشه‌ای که با مراجعه به متون و آموزه‌های اصیل اسلامی دستاورد روشنی در خصوص دولت نبوی^(ص) و علوی^(ع) برای استقرار و پیاده‌سازی وظایف فوق فراهم می‌آورد. یکی از متون اساسی و معتبر در ساخت دولت-شهر نبوی، نوشته‌ای معروف به «صحیفه النبی» یا «قانون اساسی مدینه» است که پیامبر اسلام با قبائل مستقر در مدینه و مهاجران قریش و یهودیان منعقد کرد (زرگری نژاد، ۱۳۹۷: ۳۴۴). این پیمان عمومی که رسول خدا در همان سال نخست هجرت میان عموم ساکنان یثرب اعم از مسلمانان، یهودیان و مشرکان طرح کرد، نخستین گام ساختاری برای تاسیس دولت مبتنی بر آموزه‌های دینی بشمار می‌آید. در آغاز این صحیفه آمده است: «این نوشته محمد^(ص) است میان مومنان از قریش و مردم یثرب و هر کسی که از آنان پیروی کرده و به آنان ملحق شد و همراهشان جهاد کرد. آنها «امت واحده» هستند» (فیرحی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). هم‌چنین در بند ۲۵ صحیفه تاکید شده است: «یهود بنی عوف، خود و هم‌پیمانان آنها با مومنان یک امت هستند؛ یهود به دین خود و مسلمانان به دین خودشان؛ مگر کسی که ستم کند و گناه نماید...» (فیرحی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). بنابر این روشن می‌شود یکی از ارکان اساسی دولت-شهر نبوی^(ص) و علوی^(ع) تاکید بر مفهوم امت واحده است؛ به گونه‌ای که چونان قراردادی اجتماعی، همگان را از قبائل یهودی و مشرکان تا مهاجران قریش شامل می‌شود. به عبارت دیگر، مفهوم امت در پیمان مدینه بی‌آنکه منحصر به مسلمانان باشد، یهود و مشرکان مشمول پیمان را نیز در بر می‌گرفت.

در جمع‌بندی چارچوب نظری باید اذعان داشت که علیرغم موارد متعددی که تحت عنوان دولت‌مداری و سیاست‌مداری بیان شده است، تاکنون هیچ اثری در رابطه با طراحی دولت علوی^(ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه نگاشته نشده است. لذا جای خالی کار پژوهشی که دولت علوی^(ع) را با کاوش در نهج البلاغه مورد مذاقه قرار داده و الگویی را ارائه دهد، احساس می‌شود.

۳. روش پژوهش

انتخاب روش مناسب، مهم‌ترین گام در فرایند پژوهش پس از مشخص شدن زمینه و موضوع پژوهش است. برای این کار باید پارادایم، استراتژی، و سایر عناصر فرایند پژوهش به درستی معین شوند. هدف این پژوهش، شناخت مولفه‌ها و ابعاد دولت علوی^(ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است. بنابراین، این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش اکتشافی یا بنیادین بوده و در زمره پژوهش‌های تک مقطعی قرار می‌گیرد؛ و از لحاظ روش، از نوع کیفی بوده و با توجه به اینکه از جزء به کل رسیده‌ایم، رویکرد این پژوهش؛ استقرایی است. برای استخراج مفاهیم از متن خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی^(ع)، از فن تحلیل مضمون که یک روش تحلیل کیفی قابل توجه، قوی و پرکاربرد برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل است، استفاده شد. مضمون یا تم، بیانگر چیز مهمی در خصوص داده‌ها در رابطه با سؤالات پژوهش است. در این ارتباط، پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد، زیرا تبعیت صرف از قواعد در این خصوص کاربردی ندارد (سلطانی و خانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی نشان می‌دهد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱). در نهایت، همانگونه که استرلینگ (Stirling ۲۰۰۱) بیان می‌کند، شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند: الف) مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، ب) مضامین سازمان‌دهنده (مقولات بدست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)، ج) مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل). سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه وب یا الگو رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

برای اعتبارسنجی تحلیل مضمون به جای استفاده از واژگان روایی و پایایی که اساساً و از لحاظ مبانی فلسفی ریشه در پارادایم کمی دارند، می‌توان از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» استفاده نمود (توینینگ Twining، ۲۰۰۰: ۱۰). از همین دسته، «لینکلن و گوبا» Lincoln & Guba برای قابل اعتماد بودن پژوهش‌های کیفی، معیارهایی چون: امکان اعتبار، اتکاپذیری یا توانایی اتکا، انتقال‌پذیری یا توان انتقال، تصدیق یا امکان تأیید را ارائه

طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه ۳۱

کرده‌اند (سینکوویچ Sinkovics، ۲۰۰۸: ۶۹۳) که از طریق راهبردهای متعددی نظیر ردیابی حسابرسی گونه، بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها یا منابع اسنادی، تأیید همکاران پژوهشی، تحلیل مورد کیفی، تأیید ساختاری و کفایت منابع ارجاع شده استفاده می‌شود (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷: ۱۶). در پژوهش حاضر، سنجه‌های مذکور به طرق مختلف تدارک شده که از مهم‌ترین آنها، راهبرد «کدگذاران مستقل» است. این راهبرد، فرایندی رایج برای ارزیابی و کنترل کیفیت تحلیل مضمون است (کینگ و هاروکس King & Horrocks، ۲۰۱۰: ۱۶۰). هدف کدگذاری مستقل، کمک به پژوهشگر است تا به طور انتقادی درباره ساختار مضامین پیشنهادی خود و تصمیماتی که درباره کدها گرفته، فکر کند.

برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد در بین کدگذاران مستقل نیز روش‌های مختلفی وجود دارد که در این پژوهش از روش توافق درصدی که پرستفاده‌ترین و ساده‌ترین روش برای سنجش پایایی بین کدگذاران است، استفاده شد، به این صورت که از چهار نفر از خبرگانی که به طور مستقل کدگذاری را انجام داده‌اند، کدهایی پذیرفته شد و به جمع‌بندی رسید که بیش از نصف یا ۵۰ درصد از کدگذاران بر آن صحه گذاشته بودند (حکاک و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴۹).

۴. یافته‌های پژوهش

در مرحله اول پژوهش، مضامین پایه (کدهای اولیه به تعداد ۴۷۰ مورد) مدنظر قرار گرفت. بدین صورت که پس از استخراج جملات کلیدی برگرفته شده از خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی^(ع) و بازخوانی‌های مکرر و پالایش آن توسط پژوهشگر در خصوص شکل‌گیری دولت علوی^(ع)، به ۸۲ مضمون پایه کاهش یافت. از آنجا که همه این مضامین به خاطر مبسوط بودن مطالب، مقدور نبود، بخشی از این داده‌ها آورده شده است.

جدول ۱: داده‌های مرتبط با مضمون پایه

ردیف	مضمون پایه	داده	نشانی داده
۱	ماهیت زمامداری	خداوند رسولان خود را در میان مردم برانگیخت و پیامبران خود را پیاپی برای آنان فرستاد تا عمل به پیمان فطرت الهی را از آنان بخواهند و نعمت فراموش شده را به یاد آنان بیندازد و بوسیله تبلیغ، بر آنان احتجاج کند و گنجینه‌های موجود در عقول آنان را برانگیزاند و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند.	خطبه ۱
۲	مکلف بودن زمامداری	سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و نفوس انسان‌ها را آفرید! اگر حضور بیعت کنندگان نبود و اگر حجت خداوندی بوسیله وجود یاوران تمام نمی‌گشت و اگر خداوند علما را مکلف قرار نداده بود که شکم بارگی ستمکاران و گرسنگی مظلومان را نپذیرند، افسار این مرکب (زمامداری) را به گردنش می‌انداختم و پایانش را با همان کاسه سیراب می‌کردم که در اولش انجام داده بودم.	خطبه ۳
۳	ماهیت بیعت	من همواره انتظار بروز نتایج خیانت شما را می‌کشیدم و آثار فریب خوردگی شما را به فراست دریافته بودم.	خطبه ۴
۴	سلطه حکام ناشایست	همانگونه که هراس موسی (ع) برای ترس درباره خود نبوده است، بلکه ترس او از پیروزی و سلطه نادانان بود.	خطبه ۵
۵	عدالت در برابر ستم	کسی که عدالت برای او تنگی بوجود بیورد، ستم برای او تنگتر است.	خطبه ۱۵
۶	اندرز؛ مایه خودسازی	کسی که اندرزا و وسائل تجربه، کيفرهای پیش رویش را بر وی آشکار بسازد، خویش‌داری و تقوا او را از تجاوز به شبهات و ارتکاب آنها بازدارد.	خطبه ۱۶
۷	مبلغ رسالت با کمال امانت	خداوند، محمد (ص) را تبلیغ کننده بر عالمیان و امین برای فرستادن قرآن و رسالت، مبعوث نمود و در آن حال شما گروه عرب دارای بدترین دین بودید و در بدترین جامعه زندگی می‌کردید...	خطبه ۲۶
۸	مساله حکومت و حقوق والی و مردم	ای مردم! حقی من بر شما دارم و حقی شما بر من دارید. اما حق شما بر من: خیرخواهی درباره شما و تنظیم و فراوان نمودن بیت‌المال برای تهیه معیشت سالم برای شما و تصدی بر تعلیم شما که از جهل نجات یابید و تادیب شما که علم، در همه سطوح شخصیت شما را بسازد.	خطبه ۳۴
۹	ضرورت وجود حاکم	آری، حکمی نیست، مگر از آن خدا، ولی اینان می‌گویند: زمامداری نیست، مگر از آن خدا. وجود حاکم و زمامدار برای مردم چه نیکوکار و چه بدکار - امری ضروری است، که اگر زمامدار بد و منحرف باشد، شخص باایمان در زمامداری او عمل صالح خود را انجام می‌دهد و شخص کافر نیز برای دنیای خود بر خوردار می‌گردد، تا روزگار زندگی	خطبه ۴۰

	مومن و کافر سپری شود و خداوند به وسیله زمامدار منحرف غنایم را جمع و به وسیله او جهاد با دشمن را به راه می‌اندازد و راه‌ها توسط او امن می‌گردد و به وسیله او حق ضعیف از قوی گرفته می‌شود تا نیکوکار راحت شود و مردم از شرّ تبهکار در امان باشد.		
خطبه ۶۴	و از خداوند سبحان مسئلت می‌داریم ما و شما را در برابر نعمت‌ها مغرور نسازد و چیزی ما را از اطاعت پروردگار باز ندارد و پس از رسیدن مرگ دچار پشیمانی و اندوه نگرداند.	مغرور نشدن زمامدار	۱۰
خطبه ۹۴	آنان پیامبران را در برترین ودیعتگاه به ودیعت نهاد و در بهترین قرارگاه تثبیت فرمود و اصلاّب شریفه آنان را به پاک‌ترین ارحام منتقل ساخت. هرگاه که یکی از آنان درگذشت، برای تبلیغ دین خداوندی جانشینی از آنان قیام نمود.	لزوم برگزیدگی جانشین	۱۱
خطبه ۱۰۳	خدا رحمت کند مردی را که اندیشید و عبرت اندوخت و از عبرت اندوخته بینایی یافت.	عبرت اندوزی	۱۲
خطبه ۱۰۵	همانا بر عهده شخص پیشوا چیزی نیست، جز آنکه از امر خدا متحمل شده است: ابلاغ در موعظه، و نهایت کوشش در خیرخواهی، و احیای سنت، و برپا داشتن حدود بر مستحقان آنان، و رساندن سهم‌ها و نصیب‌ها به صاحبانش.	وظایف حاکم و پیشوا	۱۳
خطبه ۱۵۲	جز این نیست که پیشوایان الهی تدبیرکنندگان و مدیران الهی برای مخلوقات اویند و عارفان آنان هستند و کسی به بهشت داخل نمی‌شود، مگر اینکه آن پیشوایان الهی را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند، و کسی به دوزخ ساقط نگردد، مگر اینکه آنان را منکر شود و آنان نیز او را منکر گردند.	سیاست حکیمانه حاکمان	۱۴
نامه ۳	اگر زمان خرید خانه نزد من آمده بودی، برای تو سندی مانند این سند می‌نوشتم که در خرید این خانه به یک درهم چه رسد بالاتر از آن رغبت نمی‌کردی.	لزوم بی رغبتی حاکم نسبت به مادیات	۱۵
نامه ۲۰	به خدا قسم می‌خورم قسم صادقانه، اگر به من خبر رسد که در بیت‌المال مسلمانان در مالی اندک یا زیاد خیانت ورزیده‌ای، چنان بر تو سخت‌گیری کنم که تو را تهیدست و سنگین بار و ذلیل و پست کند! والسلام.	نهی از خیانت در بین المال	۱۶
نامه ۲۶	او را امر می‌کنم که مردم را دروغگو نشمارد.	اعتماد به مردم	۱۷
نامه ۴۵	آیا به این امر قناعت کنم که به من «زمامدار مومنین» گفته شود و در ناگواری‌های روزگاران با آنان شراکت نورزم و در خشونت و سختی‌های زندگی الگوی آنان نباشم؟!	خیرخواهی درباره مردم	۱۸

همانگونه که در جدول ۱ آورده شده است، با بررسی متن نهج‌البلاغه، مضامین پایه استخراج شد. مضمون پایه، نزدیکترین درون مایه به جملات کلیدی است. به عنوان مثال، مضمون عبارت «هر کس خود را برای مردم پیشوا قرار بدهد، باید پیش از تعلیم دیگران نخست به تعلیم خویشان پردازد و باید تادیب با کردار، پیش از تادیب با زبانش باشد و

انسانی که به تعلیم و تادیب خویشتن پردازد، به تعظیم شدن شایسته‌تر از معلم و مربی دیگر انسان‌هاست»، به عنوان «خودتادیبی» در نظر گرفته شد. هم‌چنین مضمون «حکومت، همان حکمت و علم به مسائل سیاسی و زندگی اقتصادی مردم است و بس»، تحت عنوان «دانش سیاسی و اقتصادی زمامدار» نام‌گذاری شد. روند کدگذاری به همین ترتیب تا پایان ادامه داشت. در مرحله بعد، پژوهشگر با بررسی مضامین پایه (کدهای اولیه)، سطوح سه‌گانه کلی در کدها را کشف کرد. این سطوح، الزامات ایجاد حکومت علوی نامیده شد؛ چرا که برای ایجاد و فراگیر شدن حکومت علوی^(۴) در جامعه، این الزامات مورد نیاز هستند و اگر خدشه‌ای به آنها وارد شود، بخشی از جامعه آسیب و زیان خواهد دید.

سطح اول «الزامات فردی» نام گرفت. منظور از الزامات فردی توصیه و نکات فردی است که دولتمردان نقش کلیدی و اساسی در خلق، تثبیت و نهادینه کردن نظام اعتماد در جامعه اسلامی دارند. تحقق این امر به اجرای «اصل نحوه نگرش حاکمیت به مردم و اعتمادسازی»، «اجرای عدالت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی»، و «اصل رضایت عمومی» بستگی دارد. یکی از دلایل کلیدی شکل‌گیری نظام اعتماد در دولت اسلامی، نحوه نگرش حاکمیت به جامعه و رابطه آن با مردم است. هم‌چنین برپایی قسط و دادگری میان مردم در جامعه اسلامی که همانا اقامه عدل و دادگری میان مردم می‌باشد، از وظایف دولت علوی^(۴) است. به دیگر سخن، نهادینه کردن نظام عادلانه در جامعه اسلامی نه تنها در رسالت پیامبران و رسولان تکلیفی واجب است، بلکه دولت علوی^(۴) تکلیفی روشن در این زمینه دارد؛ زیرا این سطح از لوازم و مقدمات اصلی ایجاد جامعه توحیدی بشمار می‌رود و اسباب فساد اقتصادی و اجتماعی را برمی‌چیند. دولتمردان هم‌چنین نقش کلیدی و اساسی در رضایت عمومی در جامعه دارند، به عبارت دیگر، بسترسازی برای ایجاد رضایت میان مردم است. به عنوان مثال، حضرت علی^(ع) می‌فرمایند: «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نظر تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند». در این بخش از نامه ۵۳، دعوت به اجرای مهمترین وظیفه فردی دولت که همان «اعتمادسازی دولتمردان» است، اشاره شده است. هم‌چنین در عبارت «مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده کنی»، اشاره به «برنامه اعتمادسازی دولت‌ها» دارد. در عبارت دیگر می‌فرمایند: «سامان

طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه ۳۵

یافتن دین به دو خصوصیت بستگی دارد؛ با دیگران به انصاف رفتار کردن و برادران را در مال خود شریک ساختن». در این بخش از کلام علی^(ع) دو بحث روشن است: شرط مسلمانی و شرط سامان یافتن حیات دینی و اجتماعی مسلمانان که همان «ترسیم رفتاری دولتمردان» را نشان می‌دهد. در جای دیگر می‌فرمایند: «چنان که نارضایتی عمومی به هر دلیلی رخ دهد، دولتمردان باید با بیانی شفاف و مستدل درصدد رفع آن برآیند. هر گاه مردمان به تو بدگمان گردند، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به مردم است و این پوزش خواهی تو آنان را به حق وامی‌دارد».

جدول ۲ وجه تمایز ویژگی‌های دول غربی و شرقی از یک سو، و دولت علوی^(ع) را از سوی دیگر، نشان می‌دهد.

جدول ۲: ویژگی‌های دول غربی، شرقی و علوی^(ع)

ویژگی‌ها	دولت‌های شرقی	دولت‌های غربی	دولت علوی ^(ع)
نحوه نگرش حاکمیت به مردم و اعتمادسازی	اعتماد نسبت به خانواده، دوستان و آشنایان عدم اعتماد به حوزه عمومی (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۱۴)	اعتماد به احزاب بدون در نظر گرفتن شایسته‌سالاری در انتخاب و انتصابات مدیران سازمان‌ها	برپایی قسط و دادگری میان مردم در جامعه اسلامی
اجرای عدالت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی	نابرابری در حوزه‌های اقتصادی در بین جمهوری‌ها، عقب افتادگی اجتماعی در قالب تفکرات دولتی (جیروند، ۱۳۶۶: ۱۲۶)	ناهنجاری و نابسامانی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عدم انسجام اجتماعی (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳).	نهادینه کردن نظام عادلانه در جامعه اسلامی برای ایجاد جامعه توحیدی برچیدن فساد اقتصادی و اجتماعی
رضایت عمومی	آزادی‌های اجتماعی در جهت افزایش رضایت عمومی در قالب تفکرات دولتی (جیروند، ۱۳۶۶: ۱۴۹).	نبود توازن در مرتبت و منزلت نبود هماهنگی و ناسازگاری در موقعیت‌های متفاوت (قبادی؛ جعفری، ۱۳۹۳: ۱۵۵).	بسترسازی برای ایجاد رضایت میان مردم

سطح دوم «الزامات گروهی و سازمانی» نام گرفت. منظور از الزامات گروهی و سازمانی توصیه و نکاتی است که در شکل‌گیری انسجام، وحدت و یگانگی، و پرهیز از تفرقه که از شاخصه‌های دولت علوی^(ع) است، تاثیر بسزایی دارد. از کلام نبی اکرم^(ص) و حضرت

علی^(ع) می‌توان یافت که تنظیم روابط گروهی و سازمانی دولت علوی^(ع) بر پایه دین اسلام و چارچوب دولت واحد، نیازمند اقداماتی از قبیل بستن پیمان با کشورها، طرح نظام برادری، و تاسیس نهاد مسجد به عنوان پایگاه اساسی دولت به نام مدینه‌النبی است. به عنوان مثال، حضرت علی^(ع) در یکی از خطبه‌ها می‌فرماید: «گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن». از اینرو دولت علوی^(ع) همواره باید به منظور رفع کینه‌های نشأت گرفته از اختلاف و تفرقه در جامعه اسلامی بکوشد که ممکن است میان مردم و دولت شکل گیرد.

در این راستا اگر سطح دوم را در نظام جمهوری اسلامی ایران جستجو کنیم می‌توان گفت؛ یکی از محورهای اساسی تشکیل دهنده استراتژی امام خمینی^(ره) وحدت و انسجام است که در ابعاد مختلف کاربرد دارد. در حوزه کانون‌های تبلیغی و فرهنگی امام خمینی^(ره) با تأکید بر استفاده از روش‌ها و نهادهای فرامردن برای بیان و تبلیغ باورهای اسلامی از میان همه شیوه‌های سستی در عرصه باورسازی و تولید اندیشه، تربیون‌هایی را برمی‌گزینند که علاوه بر داشتن حوزه تأثیر فراگیر و عمیق، کم هزینه نیز می‌باشند، اما آنچه که در این انتخاب مهم بوده، این نهادهای دینی و مذهبی در ذات خود بیانگر نماد انسجام اسلامی است. یعنی در عین کارکرد محتوایی در ظاهر، تبلیغ‌کننده همبستگی و اتحاد نیز می‌باشد. مانند آیین‌های نماز جمعه و جماعات و در سطح بین‌المللی مناسک حج. ایشان پیرامون برجستگی کانون‌های مذکور در زمینه ترسیم انسجام اسلامی و تبلیغ باورهای دینی می‌فرمایند:

اسلام اینگونه اجتماعات را فراهم کرده تا از آن استفاده دینی بشود، عواطف برادری و همکاری افراد تقویت شود، رشد فکری بیشتری پیدا کنند، برای مشکلات سیاسی و اجتماعی خود راه‌حل‌هایی بیابند و به دنبال آن به جهاد و کوشش دسته جمعی بپردازند. (امام خمینی^(ره)، ۱۳۵۶: ۱۸۱-۱۸۰).

سطح سوم، «الزامات اجتماعی» نام گرفت. منظور از الزامات اجتماعی توصیه و نکات اجتماعی است که دولتمردان مشارکت در دفاع از کشور، مشارکت عمومی در امر به معروف و نهی از منکر، و تقویت مشارکت عمومی از طریق نظارت همگانی که از شاخصه‌های دولت علوی^(ع) است، تأثیر بسزایی دارد. به عنوان مثال، حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «... مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری و درباره تو آن می‌گویند که تو نسبت به زمامداران گذشته می‌گویی ... پس

طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه ۳۷

نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد». مطابق با این رویکرد، دولت علوی^(۴) همواره خود را در مقابل دیدگان بینای مردم می‌بیند و اسباب امر به معروف و نهی از منکر را فراهم می‌کند. هم‌چنین دولت علوی^(۴) در خصوص حفظ ارزش‌های جامعه اسلامی مسئول است و باید برای تقویت ارزش‌های اخلاقی بکوشد که این امر در گرو پدید آمدن نهاد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. هم‌چنین می‌فرماید: «تقویت مشارکت عمومی و اجتماعی از طریق نظارت همگانی در جامعه شکل می‌گیرد».

در این راستا اگر سطح سوم را در نظام جمهوری اسلامی ایران جستجو کنیم می‌توان گفت؛ امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در اندیشه امام خمینی^(ره) همانند سایر مفاهیم و تعابیر مهم و محوری سیاسی در قلمرو مکتب حیاتبخش اسلام و آموزه‌های دینی جستجو کرده و تعبیر و تحلیل نمود که مجموعه عواملی همانند اعتقادات دینی، خدمتگزاری، عدالت طلبی، دشمن شناسی و مشارکت عمومی و ... در پیدایش مولفه‌های امنیت ملی و استقرار آن سهیم هستند. بر این اساس «امنیت ملی و دفاع از آن» در نظام جمهوری اسلامی ایران یک مقوله قدسی و ارزشی بشمار می‌آید. امام خمینی^(ره) معتقد است که «اسلام برای همه است و ما همه در تحت لوای اسلام ان شاء الله امیدوارم با رفاه و امنیت زندگی کنیم» (صحیفه امام، ج ۹، ۱۳۵۸: ۴۳۹).

در اهمیت بحث امر به معروف و نهی از منکر، امام خمینی^(ره) دستور تشکیل اداره امر به معروف و نهی از منکر به شورای انقلاب را می‌دهند (صحیفه امام، ج ۹، ۱۳۵۸: ۲۱۳). در نهایت رابطه بین مضامین سه‌گانه مطرح است. دولت‌ها در سطح فردی، بستر و فضای دولت‌مداری و سیاست‌مداری را در قالب اعتماد، اجرای عدالت و رضایت عمومی فراهم می‌کنند، نگاهی که لازمه ایجاد دولت علوی^(۴) است. در سطح گروهی و سازمانی، دولت علوی^(۴) شکل می‌گیرد، و به مدیریت جامعه می‌پردازد، چرا که نمود دولت علوی^(۴) را باید در انسجام، وحدت، یگانگی و پرهیز از تفرقه جستجو کرد. در سطح اجتماعی به دنبال ظرفیت‌سازی و توسعه دولت علوی^(۴) در کشورهای جهان اسلام با مشارکت عمومی و اجتماعی تمام مسلمین است. توسعه‌ای که می‌توان به شکل‌گیری مجدد مدینه‌النبی امیدوار شد. جمع‌بندی این الزامات را می‌توان در جدول ۳ ملاحظه نمود.

جدول ۳: مضامین پژوهش

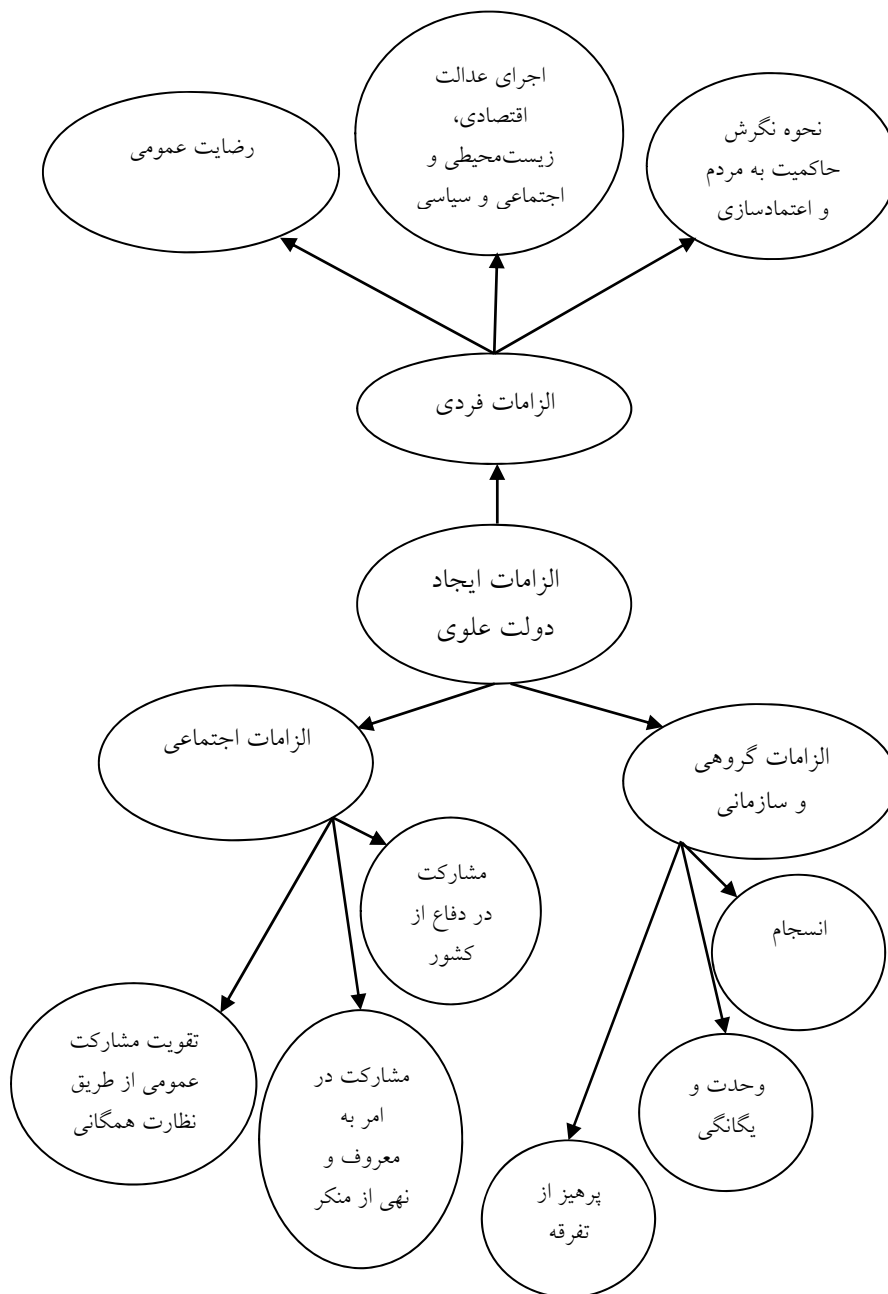
مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
-------------	---------------------	---------------

<p>خودتادیبی، اعتمادسازی دولتمردان، برنامه اعتمادسازی دولت‌ها، ماهیت زمامداری، مکلف بودن زمامداری، سلطه حاکم، مبلغ رسالت با کمال امانت، مغرور نشدن زمامدار، لزوم برگزیدگی جانشین، وظایف حاکم و پیشوا، اعتماد به مردم، اختیار تعیین حاکم، تکلیف زمامداری الهی، ملاک زمامداری، انتخاب زمامدار الهی با کمال رضایت بدون کمترین اجبار.</p>	<p>نحوه نگرش حاکمیت به مردم و اعتمادسازی</p>	
<p>بخش از وظایف حکومت، تغییر در مبانی اقتصادی برای تامین دادگری اقتصادی و سیاسی، تحول و انقلاب سیاسی، تحمل سیاسی و مبارزه بی‌امان با کفر و منکران، سخت‌گیری در اجرای قانون بیت‌المال، وقاحت تخلف از تعهد سیاسی، توبیخ قائم‌مقام کارگزار بصره و تهدید او به کیفر به دلیل خیانت به بیت‌المال، توبیخ و تهدید کارگزارانی که از نظر مالی و سیاسی به جامعه خیانت می‌کنند، توبیخ و تهدید کارگزارانی که با تمایلات شخصی خود از اجرای تصمیم زمامدار جلوگیری می‌کنند، دستور اکید برای تنظیم امور اجتماعی به ویژه مسائل اقتصادی.</p>	<p>اجرای عدالت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی</p>	<p>سطح الزامات فردی</p>
<p>ترسیم رفتاری دولتمردان، عدالت در برابر ستم، مساله حکومت و حقوق والی و مردم، آماده نبودن جامعه برای اجرای حکومت حق و عدالت، حکومت بر مبنای عدالت است نه بر طبق امیال بی‌اساس، نباید هوی و هوس‌های برخی از مردم زمامدار الهی را از کار خود بازدارد، نتیجه بر حسب کار، امانت الهی بودن زمامداری، حقوق مردم جامعه بر عهده زمامداران است، تاکید بر اجرای عدالت در جامعه.</p>	<p>رضایت عمومی</p>	
<p>ضرورت وجود حاکم، لزوم بی‌رغبتی حاکم نسبت به مادیات، پراکندگی سپاهیان حق موجب شکست و اندوه است، همه احکام و تکالیف فردی و اجتماعی از خداست و جامعه به زمامدار نیازمند است، ممنوعیت اطاعت کورکورانه مردم، دستور اکید به کارگزاران برای نرمش و رفتار نیکو با مردم، فرمان حکومتی به محمد بن ابی‌بکر برای اداره کشور مصر، باارزش‌ترین صفت برای با لیاقت‌ترین کارگزار، لزوم هماهنگی زمامدار و کارگزاران او با مردم جامعه و عدم امتیاز آنان.</p>	<p>انسجام</p>	
<p>ماهیت بیعت، خیرخواهی درباره مردم، بیعت برای حکومت، حق مردم بر ولی و حق ولی بر مردم، ملاک حکومت احقاق حق برای ضعیف و قوی، ملاک زمامداری بر مبنای حق، زمامداری برای اصلاح حال جامعه است، دین اسلام بهترین اداره‌کننده جوامع، ملاک شایستگی کارگزاران، مدیریت همه جوامع برای حرکت در حیات معقول.</p>	<p>وحدت و یگانگی</p>	<p>سطح الزامات گروهی و سازمانی</p>
<p>نابسامانی در صورت ادا نشدن حق زمامداری از سوی مردم، تساوی مردم در بیت‌المال، ارزش مردم از دیدگاه حاکم الهی، مبارزه با روش سیاسی حاکم ظالم، یاری خواهی از انسان‌های شریف برای قلع و قمع مردم فاسد، بازخواست شدید از مردان نالایق در سیاست و زمامداری، توصیف متصدیان نالایق برای امر حکومت.</p>	<p>پرهیز از تفرقه</p>	

طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه ۳۹

<p>ضروری بودن احتیاط و دوراندیشی با دشمن، توییح شدید کارگزاری که در برابر عبور سپاه دشمن از حوزه ماموریت خود مقاومت و ممانعت ننموده است، تاکید بر دفاع از جامعه در مقابل دشمن، موعظه و تنبیه دشمن و بیان واقعیات و حقایق برای او، پست انگاشتن کارگزاری که در ماموریت‌اش خیانت کند.</p>	<p>مشارکت در دفاع از کشور</p>	<p>سطح الزامات اجتماعی</p>
<p>زندگی با شرافت و کرامت، نتیجه تصدی مردم ناشایست به امور حکومت، حاکم آگاه مردم را از ذلت و پستی نجات می‌دهد، خیرخواهی و خیراندیشی درباره زمامدار، مراعات کسانی که دارای اصالت‌های ریشه دارند، ممنوعیت ترجیح خویشاوندان در بیت‌المال بر دیگر افراد جامعه و تهدید مرتکبان به آن، سفارش به کارگزاران دیگر دول، داشتن بهترین اخلاق با مردم.</p>	<p>مشارکت در امر به معروف و نهی از منکر</p>	
<p>سیاست حکیمانه حاکمان، تکالیف و حقوق سیاسی و ضرورت مشورت، داشتن استقلال هویت، مشورت با مردم در امور حیاتی جامعه، توضیح زمامدار به مردم در باره وقایع.</p>	<p>تقویت مشارکت عمومی از طریق نظارت همگانی</p>	

بر اساس جدول ۳ می‌توان شبکه مضامین پژوهش / الگو را در قالب شکل ۱ نشان داد.



شکل ۱: شبکه مضامین پژوهش

۵. نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیم جدید در حوزه سازمان و مدیریت، مفهوم دولت‌مداری و سیاست‌مداری است. در مطالعات دنیای غرب دو رهیافت در پارادایم ساختارگرایی بنیادی در خصوص مطالعه دولت‌ها در سطح کلان و سازمان‌ها در سطح خرد وجود دارد: (۱) رهیافت وبرگرایی در نظریه سازمانی بنیادی که ویژگی عمومی آن را باید در مفهوم گروه‌گرایی جستجو کرد که به پیدایش شبکه به هم پیوسته‌ای از نهادهای دیوان‌سالار اطلاق می‌شود که در «جامعه مدرن» به صورت ضمائم دولت و فرمانبردار آن موجودیت دارند و دولت را به عنوان «یک نهاد سیاسی اجباری و دارای سازمانی مستمر و پیوسته تا آنجا که خود و مقامات اداری آن از حق انحصاری استفاده از زور در اجرای دستورهای آن برخوردارند»، قلمداد می‌نمایند و پذیرش دولت را بر عواملی غیر از مشروعیت و در نهایت بر عدم تمایل فرد برای پذیرش پیامدهای عدم اطاعت از قانون و رویارویی با سیاست‌هایی که توسط دولت رسماً اعلام و اجرا می‌گردد، استوار می‌دانند. (۲) رهیافت ساختارگرایی مارکسیستی در نظریه سازمانی بنیادی که ویژگی عمومی آن را باید در مفهوم مارکسیستی دولت جستجو کرد و از این نظر متمایز است که دولت را محصول مبارزه تاریخی بین طبقات و روساختار نهادی تعریف کرده که بر شالوده اقتصادی استوار است. بنابراین، دولت تنها می‌تواند به سود طبقه مسلط عمل کند.

از آنجایی که رهیافت‌های وبرگرایی در غرب و ساختارگرایی مارکسیستی در شرق در نظریه سازمانی بنیادی جوابگوی دولت‌مداری و سیاست‌مداری ارزشی-اخلاقی در کشورهای جهان اسلام و جوامع نیستند، خلاء مطالعه رهیافت سومی تحت عنوان «رهیافت دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه» در قالب الگوی طراحی شده در این مقاله بیشتر نمود پیدا نمود. ویژگی عمومی این رهیافت را در مفهوم دولت نبوی^(ص)/علوی^(ع) باید جستجو کرد و از این نظر متمایز است که دولت را محصول اندیشه و عمل نبی مکرم اسلام^(ص) و حضرت علی^(ع) تعریف کرده که بر شالوده سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی اسلام استوار است. شکل‌گیری دولت نبوی^(ص)/علوی^(ع) عملاً از زمان هجرت حضرت محمد^(ص) به یثرب (مدینه) در سال یک هجری/۶۲۲ میلادی آغاز گردید. پس نخستین فتح در اسلام و در عین حال مهم‌ترین فتح- همانا فتح مدینه است. این شهر نه با جنگ فتح شد و نه با زحمت، بلکه با پذیرش صمیمانه دعوت اسلام از سوی اهل آن شهر گشوده شد. چنانچه این حدیث شریف با بهترین تعبیر، آن را بیان کرده است: «اگر فتح هر شهر و دیار به زور

بوده، اما مدینه با قرآن فتح شده است». بنابراین، مدینه هسته اصلی دولت جهانی اسلام بود که تدریجاً در پیرامون خویش رو به بالیدن نهاد(رنگریز، ۱۳۹۵: ۶۳). در این رهیافت، دولت علوی^(ع) چونان طرحی آرمانی است که به رغم تلاش‌های بسیار بنیانگذار آن (پیامبر اسلام)، هرگز به درستی در تاریخ جاری نشد و در عینیت زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان قرار نگرفت؛ پس این را الگوی «ثوری دولت» می‌دانیم، اما خلافت تاریخی مسلمانان، تحت تاثیر شرایط قبیله‌ای و سنت‌های سیاسی عرب پیش از اسلام دچار نوعی انحراف شد(فیرحی، ۱۳۸۶: ۴۱). از سوی دیگر، دولت‌های نبوی^(ص) و علوی^(ع) را کامل‌ترین الگوی دولت اسلامی می‌دانیم که باید تحولات و تاریخ هر یک از دولت‌های اسلامی دیگر را بر اساس همین الگو ارزیابی و تحلیل کرد(دادگر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۳). بنابر این روشن می‌شود یکی از ارکان اساسی دولت علوی تاکید بر مفهوم امت واحده است؛ به گونه‌ای که چونان قراردادی اجتماعی، همگان را شامل می‌شود. این مفهوم در قالب نحوه نگرش حاکمیت به مردم و اعتمادسازی، اجرای عدالت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی، رضایت عمومی، انسجام اجتماعی، وحدت و یگانگی، پرهیز از تفرقه، مشارکت در دفاع از کشور، مشارکت در امر به معروف و نهی از منکر، و تقویت مشارکت عمومی از طریق نظارت همگانی نمود پیدا می‌کند.

رهیافت سوم ما را به طراحی الگویی هدایت کرد که در آن سه سطح از الزامات برای شکل‌گیری و ایجاد دولت علوی^(ع) مطرح می‌شود. در سطح اول الزامات، اعتمادسازی حائز اهمیت است و رویکرد رفتاری دارد. دولت‌مداری نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. نمی‌توان توقع دولت علوی^(ع) را داشت، بدون اینکه نحوه نگرش حاکمیت به مردم، اجرای عدالت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی، و رضایت عمومی را سرلوحه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و کنترل خود قرار دهند. به عبارت دیگر، حکام و زمامداران ظالم نمی‌توانند دست به تشکیل دولت علوی^(ع) دهند.

در سطح دوم الزامات، انسجام و یکپارچگی حائز اهمیت است و رویکرد ساختاری دارد. دولت‌مداری نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. نمی‌توان توقع دولت علوی^(ع) را داشت، بدون اینکه انسجام، وحدت و یگانگی، و پرهیز از تفرقه را سرلوحه سازماندهی دولت خود قرار دهند. به عبارت دیگر، ملاک زمامداری باید بر مبنای حق باشد و زمامداران برای اصلاح حال جامعه باید سازماندهی نیروهای خود را بر مبنای عدالت استوار سازند.

در سطح سوم الزامات، مشارکت حائز اهمیت است و رویکرد محتوایی دارد. دولت‌مداری نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. نمی‌توان توقع دولت علوی^(ع) را داشت، بدون اینکه مشارکت در امر به معروف و نهی از منکر، مشارکت در دفاع از کشور، و تقویت مشارکت عمومی از طریق نظارت همگانی را سرلوحه مدیریت و اداره جامعه قرار دهند. به عبارت دیگر، زمامداران باید سیاست حکمیانه را مبنای دولت‌مداری و سیاست‌مداری خود قرار دهند.

پژوهش‌های پیشین انجام یافته خارج و داخل؛ خلاء یک الگوی سلسله مراتبی را به خوبی پر نکرده است. در پژوهش‌های انجام یافته خارج به عنوان مثال، راش (۱۳۹۰)، بحث مشروعیت را تنها مولفه تبیین ادامه موجودیت دولت دانست؛ رادکلیف براون (۱۹۳۷) بیان نمود که سیاست با حفظ یا ایجاد نظم اجتماعی و کنترل و تنظیم کاربرد زور سروکار دارد که دولت از آن برخوردار است. لوسی میر (۲۰۰۹) مفهوم سیاست حداقل و حکومت حداقل را مطرح ساخت؛ آلتوسر (۱۹۸۴) بر اهمیت ایدئولوژی و توانایی دولت بورژوازی برای تامین پذیرش ارزش‌های خود از طریق آنچه که در دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت نامید، تاکید نمود؛ میلی بند (۱۹۶۹) استقلال دولت را در جهت کمک به سود طبقه مسلط می‌داند؛ و مک للان (۱۹۷۹) به توصیف یک دولت کارگری با تحریفات بوروکراتیک را مطرح ساخت، ولی هیچ یک از این مطالعات با محوریت اعتمادسازی، انسجام و یکپارچگی، و مشارکت بنا نهاده نشده است و مطابقت با تعالیم دینی ندارد و مشخص نیست که مبنای قرار دادن توصیف دولت‌ها برای استخراج مطالب دینی چقدر معتبر باشد. در پژوهش‌های داخل نیز می‌توان به پژوهش‌های انجام یافته لک زایی (۱۳۹۷)، حسینی (۱۳۹۵)، عبدی (۱۳۹۳)، شیخی زازرانی (۱۳۹۳) اشاره کرد که به طور تلویحی به شکل‌گیری دولت‌های علوی^(ع) و مهدوی پرداخته شده است. از همین رو، در پژوهش حاضر، رویکرد کیفی اتخاذ شد تا بتوان با آزادی بیشتر، آموزه‌های دولت‌مداری و سیاست‌مداری حضرت علی^(ع) بررسی شود. این رویکرد کمک کرد تا سطوح الزامات ایجاد دولت علوی^(ع) در قالب فردی، گروهی و سازمانی، و اجتماعی نمایان شوند.

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهایی را برای دولتمردان کشورهای اسلامی در سه قالب الزامات فردی، الزامات گروهی و سازمانی، و الزامات اجتماعی ارائه کرد که بخشی از آنها به شرح زیر است:

الف) الزامات فردی

۱. توجه به بایستگی‌های اخلاقی؛
۲. دوری دولتمردان از خودبیگانگی؛
۳. توجه دولتمردان به سه مولفه معرفت، شناخت عرفانی و حکمت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛
۴. عبرت‌اندوزی از دولت‌های سست بنیان؛
۵. داشتن سیاست حکیمانه؛
۶. پندپذیری و خودسازی دولتمردان؛
۷. بسترسازی برای پیمان پذیرش رهبری و زمامداری مبتنی بر مفهوم بیعت در اسلام.
(ب) الزامات گروهی و سازمانی
 ۱. نهادینه کردن اعتماد در سطح گروه‌ها و سازمان‌ها؛
 ۲. تنظیم روابط منطقی و اخلاقی در دولت‌ها و سازمان‌ها در سایه آموزه‌های دینی؛
 ۳. بسترسازی مناسب برای وحدت فرماندهی و وحدت مدیریت.
- (ج) الزامات اجتماعی
 ۱. بسترسازی برای سازگاری حکومت مردم بر مردم؛
 ۲. حساس بودن دولتمردان به اهمیت انکارناپذیر اقتصاد و اعتقاد به جهاد مدیریتی و اقتصادی؛
 ۳. تثبیت و نهادینه کردن اعتماد در سطح جامعه؛
 ۴. جلوگیری از شکل‌گیری فساد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی؛
 ۵. کاهش بار زندگی و مشکلات معیشتی مردم؛
 ۶. بکارگماری ناظران راستگو و وفای‌پیشه در جامعه.

کتاب‌نامه

- نهج البلاغه.
- ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۸۵). مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، جلد دوم، تهران: انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- امام خمینی^(ره)، روح الله (۱۳۵۸). صحیفه امام - جلد ۹، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳). تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سمت.

طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه ۴۵

حسینی، سیدمالک (۱۳۹۵). اطلاع رسانی در نهج البلاغه (شیوه‌ها، بایدها و نبایدها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

حکاک، محمد؛ صالحی، حسن؛ فرقانی، یونس (۱۳۹۷). طراحی الگوی مفهومی اسلام برای عدالت در نظام جبران خدمات مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه، فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال ۷، شماره ۲، ص ۳۴۹.

جیروند، عبدالله (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی «مجموعه عقاید»، چاپ اول، تهران: انتشارات مولوی. دادگر، یدالله؛ نظریور، محمدنقی، منتظری مقدم، مصطفی (۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی، اسلام و توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

دانایی‌فرد، حسن؛ مظفری، زینب (۱۳۸۷). «ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تاملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، سال ۱، شماره ۱، ص ۱-۲۳.

راش، مایکل (۱۳۹۰). جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.

رنگریز، حسن (۱۳۹۶). تحلیل فلسفی نظریه‌های سازمان و مدیریت، چاپ دوم، تهران: انتشارات چاپ و نشر بازرگانی.

رنگریز، حسن؛ محرابی، جواد (۱۳۹۵). تئوری‌های مدیریت پیشرفته، چاپ پنجم، قزوین: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۷). تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.

زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴). اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه: فاطمه گلابی، تبریز: انتشارات ستوده. سلطانی، محدرضا؛ خانی، علی (۱۳۹۵). استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۴، شماره ۲، ص ۱۳۳-۱۰۵.

شیخی زازرانی، بتول (۱۳۹۳). ترسیم حکومت مهدوی بر اساس متون دینی و مقایسه آن با حکومت علوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۲، ص ۱۹۸-۱۵۱.

عبدی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی اصلاحات اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

فیرحی، داود (۱۳۸۶). تاریخ تحول دولت در اسلام، قم: دانشگاه مفید.

- قبادی، مجید؛ جعفری، احمد (۱۳۹۳). رضایت‌مندی سیاسی- ملی در پهنه جهانی شدن، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴، بهار و تابستان، ص ۱۷۴-۱۴۳.
- لکزایی، صغری (۱۳۹۷). مبانی و ساختار دولت در معارف اسلامی، رساله دکتری، دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ معیرفر، سعید؛ گلابی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره ۱، بهار، ص ۷۰-۴۱.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱). نظریه‌های دولت، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- هیوز، آون (۱۳۷۷). مدیریت دولتی نوین، مترجمان: سیدمهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی، غلامرضا معمارزاده طهران، تهران: انتشارات مروارید.

- Hassard, J. & Pym, D (2012). *The Theory and Philosophy of Organization: Critical Issues and New Perspective*, London: Routledge.
- King, N. & Horrocks, C (2010). *Interviews in Qualitative Research*, London: Sage.
- McLellan, D (1979). *Marxism after Marx*, Macmillan Publishing.
- Sinkovics, R. R (2008). "Enhancing the Trustworthiness of Qualitative Research in International Business", *MIR*, 48(6): 689-714.
- Stirling, J (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, 1(3): 385-405.
- Twining, J (2000). *A Naturalistic Journey into the Collaborator: In Search of Understanding for Prospective Participants*, Denton: Texas Woman's University.